

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد

۲۰۰۶.۱۰

جمهوری اسلامی فاقد ظرفیت‌های مسالمت آمیز است!

بار دیگر و برای چندمین بار «م.ح.موسوی» رهبر و شاه کلید "جنبش سبز" در مقام دفاع از نظام جمهوری اسلامی بر آمد و آب پاکی بر روی دستان و طرفداران "جنبش رنگین کمان" ریخت و اعلام نموده است مدافع آن نظامیست که پایه‌های آن در سی و یکسال قبل ریخته شده است. اعلام نموده است مدافع آن قانونیست که توسط طبقه ظالم نوشته شده است. در حقیقت وی اصلاً و ابداً مخالفتی با بر سر کار ماندن سرمایه در حاکمیت ندارد و دائماً می‌گوید که دولت‌مردان کنونی لیاقت حفظ و پایداری نظام اسلامی را ندارند و همواره با شکوهریزترین دوران نظام جمهوری اسلامی را، دهه اول حاکمیت توضیح می‌دهد؛ دورانی که جامعه شاهد در خون غلتیدن دسته دسته از جوانان در شکنجه‌گاه‌های مخوف جمهوری اسلامی به دست شکنجه‌گران و جلادان بوده است؛ دورانی که رژیم جمهوری اسلامی با ظرفیت تعریف شده و روشنی به جنگ با کارگران و زحمت‌کشان برخاست و راه هرگونه مبارزه مسالمت آمیز در درون جامعه را بست و نشان داده است که بدون به کار بستن روزانه سرکوب قادر به بر دوامی سلطه سرمایه‌داران وابسته نیست. سی سال جنایت و کشتار در برابر ابتدائی‌ترین نیازهای کارگران و زحمت‌کشان به نوبه خود نمایانگر ظرفیت و پتانسل رژیم جمهوری اسلامیست و خلاف ادعاهای "رهبران سبز"، چنین رویکردهائی صرفاً و صرفاً به بعد از انتخابات هشتاد و هشت بر نمی‌گردد.

در حقیقت تحرکات خونین و ضد انقلابی دور تازه رژیم جمهوری اسلامی به صفوف معترضان که هم‌زمان با انتخابات دهم ریاست جمهوری اسلامی بود، یکبار دیگر، بر این ایده اساسی صحنه گذاشته است که این جانیان آمده‌اند تا با سبوعانه‌ترین شکل ممکن، بی‌عدالتی را جایگزین عدالت اجتماعی نمایند؛ آمده‌اند تا قانون استثمارگرانه سرمایه‌داران مفت‌خور را به محرومان تحمیل نمایند؛ آمده‌اند تا از منفعت طبقه سرمایه‌دار حفظ و حراست نمایند؛ تا به حال چنین کرده‌اند و کارگران و زحمت‌کشان هم از یاد نبرده‌اند که دولت‌های متفاوت رژیم جمهوری اسلامی، همان سیاستی را پیشه خود ساختند که دولت نهم و دهم، جمهوری اسلامی در مقابل خود قرار داده است.

این خاصیت هر دولت سرمایه‌داری است و در حقیقت مجال و راه دیگری در مقابل‌شان نیست و بدون کمترین شک و شبهه‌ای وظیفه یکایک آنان پشبرد نقشه‌های شوم امپریالیستی و به یغما بُردن دسترنج کارگران و زحمت‌کشان است. با این حساب تفاوت ماهویی فیما بین این دولت‌ها نمی‌توان قائل شد و جنگ و دعواهای به راه افتاده در بالا را می‌باید بر سر کسب و دستیابی به ارکان‌های دولتی به نفع جناح بندی‌های خودی شان توضیح داد که هیچ‌گونه ربطی به جنگ و جدال مردم با کلیت نظام ندارد. به عبارتی ساده، سود تنش‌های درون حاکمیت به جیب محرومان نخواهد رفت و برندگان واقعی آن کسانی جز سرمایه‌داران نیستند. هدف همه آن‌ها پایداری نظام جمهوری اسلامی، سرکوب و به انحراف کشاندن اعتراضات مردمی است.

این نظام، نظام توده‌های رنج‌دیده نیست و این‌را به انحای گوناگون و بارها و بارها اعلام نموده‌اند که مدافع آن نظامی‌اند که از منفعت کارگران، دهقانان، زنان، دانشجویان و جوانان دفاع نماید؛ اعلام نموده‌اند که مخالف بگیر و ببندها و مثله نمودن زندانیان سیاسی و معترضین‌اند. از منظر توده‌های محروم، نام جمهوری اسلامی مترادف است با ننگ و جنایت؛ مترادف است با کُشتن و خانه خراب نمودن زندگانی آیندگان جامعه. هیچ‌وقت کارگران و زحمت‌کشان و خلق‌های ستمدیده، شیفته و مفتخر این نام نبوده‌اند و نه تنها "تیرهای مستقیم به مردم و زیر کردن آن‌ها توسط ماشین پلیس را از یاد .." (از بیانیه هیجده «م.ح.موسوی») نخواهند بُرد بلکه آن مادر رنج‌دیده و پدر دردمندی که بعد از دو دهه همچنان به دنبال جسد فرزند خود در خاوران می‌باشد، فراموش نخواهد کرد و از یاد نخواهد بُرد که چگونه "رهبران سبز"، جنایت‌کار، کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفان را به منظور حفظ و پایداری و "تمامیت" نظام جمهوری اسلامی از دم تیغ گذرانده‌اند؛ از یاد نخواهد بُرد که دفتر اول جنایت‌کاری‌های رژیم جمهوری اسلامی به بعد از انتخابات هشتاد و هشت بر نمی‌گردد. می‌داند که دریدگی و زیاده‌روی‌های حافظان نظام نسبت به غارت اموال عمومی در ایران سر دراز دارد و می‌داند که تا چه اندازه سران و دولت‌های متفاوت رژیم جمهوری اسلامی در این سی سال و اندی تا توانسته‌اند خورده‌اند، بُرده‌اند و مخالفان و معترضان خود را کُشته‌اند.

این تصویر و ماهیت حقیقی رژیم جمهوری اسلامی است و بیهوده «م.ح.موسوی» قیافه و پُر "مردم دوستی" و پایمال شدن حقوق آنان از جانب "تمامیت‌خواهان" را به خود می‌گیرد؛ بیهوده نظام جمهوری اسلامی را به نظام "خوب و بد" تقسیم می‌کند و بیهوده به توده می‌قبولاند که دوران وی، دوران به رسمیت شناختن حقوق مخالفان و محرومان بوده است. هیچ روز و دوره‌ای از حیات جمهوری اسلامی را نمی‌توان سراغ داشت که سران حکومت از تأمین منافع طبقات ظالم باز مانده باشند و هیچ روز و دوره‌ای را نمی‌توان یافت که در آن از اعدام قربانیان نظام و مخالفان خبری نباشد. حیات و موجودیت این نظام با خون و خون‌ریزی و با اعدام کمونیست‌ها و مبارزان و توده‌های ستمدیده رقم خورده است، "این‌که کشور ما بیشترین اعدام‌ها را نسبت به جمعیتش در جهان دارد (از بیانیه هیجده «م.ح.موسوی»)»، صحیح‌ست، به تبع از آن صحیح هم نیست تا آنرا به این دوره خلاصه نمود و آگاهانه از توضیح آن‌چه را که در حق هزاران زندانی کمونیست، مبارز و مخالفان صورت گرفته است، غافل ماند. رژیم جمهوری اسلامی همواره در اعدام مخالفان و معترضان در صف اول قرار داشت و در تمامی دوره‌ها و دهه‌ها، مدال طلا را بر گردن خود آویزان نموده است و الحق که نظام در این زمینه قهرمانان بسیار زیادی را پرورش داده و در این میان و مهمتر از همه این‌ها «م.ح.موسوی» هم از کسب چنین مدالی بی نصیب نمانده است و مفتخر دریافت آن از جانب "پیر جماران" می‌باشد.

حقیقتاً که تربیت و پرورش چنین انسان‌های ظالم و وحشی در ذات حکومت‌های سرمایه‌داری‌ست. چرا که این حکومت‌ها با کُشتن عدالت اجتماعی‌ست که شکل و قوام یافته‌اند و همواره مدافع حاکمیت و "مدیریت" طبقه سرمایه‌دار بر طبقات محروم‌اند. واضح است که در مدیریت و حکومت کنونی، جایی برای برقراری عدالت اجتماعی و حذف مفسدان حکومتی وجود ندارد. واضح است که مصلحت روزمره‌شان بر دروغ، ترویج خرافات، فساد و سرکوب حکومتی که بر گرفته شده از قانون اساسی ارتجاعی‌ست، استوار می‌باشد. به راستی مگر بروز این حوادث و مال‌خوری‌ها و ثروت اندوزی‌ها در ایران، صرفاً و صرفاً حاصل سیاست‌های یک‌ساله "تمامیت خواهان" است که «م.ح.موسوی»، قیل و قال به راه می‌اندازد و در مقام منجی و منادی منافع مردمی به میدان می‌آید تا ننگی را که بر پیشانی‌اش حک شده است، پاک نماید؟ مگر فراموش شده است که چه حساب‌سازی‌هایی به بهانه جنگ با "کفار" در زمان وی صورت گرفته است و چه پول‌های کلانی از بیت‌المال توسط لایه‌های متفاوت حکومتی - دولتی دزدیده شده و کسی پاسخ‌گوی حیف و میل و به یغما بُردن اموال عمومی نبوده است؟ مگر فراموش شده است که نظام جمهوری اسلامی از همان اوان با آزادی اندیشه و بیان سر جنگ داشت و روزنامه‌ها را بست، قلم مخالفان خود را شکست؛ زنان "بی حجاب" را مورد تعرض وحشیانه خود قرار داد و سینه کمونیست‌ها را به گلوله بست؟ همه این‌ها و از جمله بالا کشیدن بیت‌المال و آن‌هم در لایه‌های متفاوت حکومتی - دولتی به امری طبیعی تبدیل گشته و «م.ح.موسوی» هم در تشدید این روند و خانه خراب نمودن هر چه بیشتر توده‌های ستمدیده نقش پر اهمیتی داشته است و طبعاً روزی تاوان جنایت‌کاری‌هایش را باز پس خواهد داد.

در یک کلام نظام سرمایه‌داری با هر شکل و شمایلی مؤلف هزاران مصائب سیاسی - اجتماعی‌ست و تا زمانی که مدافعان آن بر سر کاراند، نابه سامانی‌ها و مشکلات گوناگون از درون جامعه رخت بر نخواهند بست و در ابعادی گسترده و درد آور دامان همه محرومان را در بر خواهد گرفت. تنها با به دور انداختن و با به زیر کشیدن سلطه مدافعان رنگارنگ نظام و با بر افراشتن پرچم ظفرنمون کمونیستی‌ست که عدالت و مصالحه جای‌گزین به یغما بُردن اموال عمومی و خشونت خواهد گردید.

۱۹ ژوئن ۲۰۱۰

۲۹ خرداد ۱۳۸۹